



تعیین جانشین قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا از سوی مقام معظم رهبری

ایسنا: با حکم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، امیر سرلشکر «حسین حسینی سعدی»، جانشین قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا شد. هفته گذشته سردار سرلشکر غلامعلی رشید با حکم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به فرماندهی این قرارگاه منصوب شده بود.

صفحه ۲

دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۵ - ۶ شوال ۱۴۳۷ - ۱۱ جولای ۲۰۱۶



رئیس جمهوری اعلام کرد:

مهم‌ترین بسته مالی و پولی برای رونق در سال ۹۵ کلید خورد

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری: حسن روحانی رئیس‌جمهوری با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات در آن به‌عنوان یکی از سرفصل‌های مهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، از اجرای طرح تحول نظام بانکی به‌عنوان مهم‌ترین بسته مالی ...

صفحه ۲



سال سیزدهم - شماره ۲۶۲۷ - ۲۰ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

احترام به مردم به جای «خط قرمز» سازی

روزبه کردونی

مسئول دبیرخانه شورای عالی رفاه



هاروکی موراگامی، نویسنده نامدار ژاپنی، در کتاب کافکا در کرانه «Kafka on the Shore» می‌گوید: «توفان که تمام شد، همان شخص قبیل از توفان نیستیم. ما قدرت زیادی به دست آورده‌ایم. معنای توفان همین است». شاید این عبارت گزاره‌ای مناسب برای توصیف شرایط دولت روحانی پس از توفان ایجادشده درباره فیش‌های حقوقی باشد. موضوع پرداخت‌های نامتعارف و حقوق‌های غیرمنصفانه که در همین مدت اخیر، جامعه‌شناسان از آن به‌عنوان تهدید و زمینه‌ساز تضعیف سرمایه اجتماعی ساختار رسمی کشور نام بردند، با واکنش هوشمندانه، مصلحانه و عدالت‌جویانه رئیس‌جمهوری و دولت بازدهم تبدیل به یک فرصت برای ارتقای پایگاه اجتماعی دولت، انجام اصلاحات در نظام اداری و ازبین‌بردن نقاط فسادخیز نهاده‌شده در دهه‌های گذشته در بدنه دولت شده است. دولت تدبیر و امید در موضوع مواجهه با فیش‌های حقوقی از چندین آزمون مانند پایبندی به اصول حکمرانی خوب، ازجمله شفافیت و پاسخ‌گویی، رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی شهروندان (به‌ویژه منتقدان) و مبارزه با فساد-تا اینجا- سربلند بیرون آمد. رئیس‌جمهوری، روحانی، به‌جای آنکه برای «کابینه» خود «خط قرمز» تعریف کند، «بکشنه سیاه» پدید آورد با روش‌های «مافیایی» علیه مطرح‌کنندگان موضوع فیش‌ها به کار بگیرد، توصیه مقام معظم رهبری و حساسیت مؤثر افکارعمومی درباره فیش‌های حقوقی را مبنای یک تصمیم بزرگ و تاریخی برای پاسخ‌گویی به یکی از مطالبات اساسی مردم، یعنی داشتن دولت پاک و نظام اداری سالم قرار داد. این همان عملکردی است که سبب شد نه‌تنها اهداف سیاسی در راستای زمین‌گیرکردن دولت محقق نشود؛ بلکه فرصتی برای رسیدگی به مسائل مشابه در سایر دستگاه‌های عمومی و نهادهای خارج از قوه مجریه برای رفع تبعیض‌های مالی در پرداخت‌ها فراهم شده و مردم منتظر دیدن «عمل» در مسئولان آن هستند. «ژان تکر»، وزیر لویی شانزدهم، افکار عمومی را قدرت ناپیدایی می‌داند که وضع قانون می‌کند. آبراهام لینکلن هم می‌گوید: «افکار عمومی همه‌چیز است، با آن هیچ چیز شکست نمی‌خورد و بدون آن هم هیچ چیز موفق نمی‌شود». واقعیت هم همین است که یکی از اصول بنیادی در سیستم‌های مردم‌سالار پاسخ‌گو ارتباط تنگاتنگ بین سیاست‌گذاری عمومی و افکار عمومی است. یک بُعد مهم موضوع فیش‌های حقوقی را باید در این واقعیت جست‌وجو کرد که دولت و رئیس‌جمهوری، پایبندی متعهدانه خود به وعده‌های انتخاباتی به‌ویژه احترام به مطالبات جامعه، خواست افکار عمومی و درک اقدام عمومی و باور جمعی مردم را به نمایش گذاشت و متعهد شد «مبارزه با فساد و رانت در نظام اداری و اقتصادی کشور را تعمیق بخشیده و این جرثومه پلید را که میراث ساختار معیوب به‌جامانده از گذشته است، از ساخت مقدس خدمتگزاری کشور ریشه‌کن کند». در همین راستا چندین مدیر ارشد دولت تغییر کردند (اتفاقی که دست‌کم در چند دهه اخیر بی‌سابقه بوده است) تا مشخص شود نه در مقام حرف، بلکه در عمل هم «این دولت با کسی عهد اخوت نبسته است». به تعبیر فردریک نیچه که می‌گوید «آنچه تو را نکند، تو را قوی‌تر می‌کند؛ باید اذعان کرد دولت روحانی پس از موضوع فیش‌های حقوقی، قوی‌تر شده است؛ بنابراین ضروری است فارغ از تحلیل انگیزه‌ها و نیت‌ها، از طراحان و مطرح‌کنندگان موضوع فیش‌های حقوقی صمیمانه تشکر کرد.

منافع ملی فدای ۸ ماه دلواپسی

چه کسانی ۸۰ میلیارد دلار به ایران ضرر زدند

صفحه ۴



طرح: حسین صافی

ترکی الفیصل از مرگ مرد اول منافقین پرده برداری کرد

آگهی مرگ یک مرده

• واکنش وزارت خارجه

سردار رمضان شریف و امیر عبداللهیان به حضور ترکی الفیصل در کنفرانس منافقین

• سرکرده منافقین سال هاست که در انتظار عمومی ظاهر نشده؛ از فروردین ۱۳۸۲ هیچ فیلم یا عکسی از او ثبت نشده است

صفحه‌های ۷ و ۱۹

یادداشت

کیارستمی و روایت زندگی

با تشخیص همین نکته می‌گوید اگر قدرت داشته باشم ترجیح می‌دهم خودم زنده بمانم؛ بیش از آنکه به ماندگاری آثارم بیندیشم؛ اما گویا طبیعت این را نمی‌پذیرد و من هم باید بروم. با این نکات است که این هنرمند زندگی را چون «طعم گilas» معنا می‌کند و به تصویر اسانس طبیعی آن که جز با جاری‌شدن تعریف‌شدنی نیست می‌پردازد و «مثل یک عاشق» به زمان حال خیره می‌شود و به مفهوم عشق در لحظه‌های کوتاه، نسبی و گذرا می‌نگرد. از نظر او عشق مثل حیات و مرگ قطعی نیست و در یک نوسان عاطفی بین عاشق و معشوق بالا و پایین می‌شود و به‌سان دوره بارداری، آدمی از عشق نیز روزی فارغ می‌شود. او در فیلم‌هایی که از عمد بدون داستان ساخته است، در رویکرد حرفه‌ای خود، بازیگران فیلم را بیش از هنرنمایی و ادبیات جاری آنها با احساساتشان نسبت به سوزها ارزیابی می‌کند؛ تا در کارگردانی و هنرپیشگی نیز شمه‌ای مؤثر از روح زندگی یعنی «احساس انسانی» را تعقیب کند. کیارستمی احساس را از دریچه زیباترین قاب خداوند یعنی همان چشم فرد تشخیص می‌دهد و تأکید می‌کند خلاقیت، یک امر فردی است و هنرمند واقعی همواره احساس تنهایی می‌کند و این کاراکتر متفاوت چشم‌هاست که فراتر از بیان چنین احساسی را لو می‌دهد و رسوا می‌کند. در واقع او می‌خواهد هنر را با اسانس و هویت طبیعی انسان درآمیزد. در نظر کیارستمی هنرمند با زندگی بازی می‌کند و بازی می‌کند تا دیگران بهتر زندگی کنند.

ادامه در صفحه ۱۹

ابراهیم بای‌سلامی
جامعه‌شناس



موضوع هنر، روح زندگی و کار هنری متفاوت و ممتاز از دیگر امور است. شاید کسانی باشند که بسیار افتخار آفریده و ده‌ها پروژه عمرانی بنا کرده و بناگاه‌ها و کارخانه‌های بسیاری ساخته‌اند و با وجود همه فوایدی که برای جامعه داشته‌اند، در ذهن قاطبه مردم به اندازه یک قطعه شعر، یک فیلم، یک نقاشی یا یک اثر هنری فاخر جا نگرفته‌اند. عباس کیارستمی از آن دست هنرمندانی است که با خلق چند اثر هنری در ذهن جهانیان جای گرفت و موجبات تحسین بسیاری را برانگیخت. تاآنجاکه صاحب‌نظران می‌گویند او بعد از حکیم ابراهیم عمر خیام نیشابوری، شناخته‌شده‌ترین هنرمند ایرانی در اروپاست. کیارستمی بیش از آنکه یک نویسنده، شاعر، نقاش و عکاس باشد؛ یک فیلم‌ساز مشهور است و متمایز اصلی فیلم‌های او، پرداختن به اهمیت زندگی انسان‌هاست و امتیاز بررسی و چگونگی «مفهوم زندگی» در آن است که این واقعیت اساسی در جامعه پراشوب مدرن، پست‌مدرن و پس‌پست‌مدرن صنعتی به تدریج کمرنگ شده و به فراموشی سپرده می‌شود. به‌زعم او حتی خود هنرمندان که هریک با هنر خوش به زیبایی‌ها و عناصری از روح زندگی می‌پردازند از مفهوم اصلی زندگی غافل‌اند و به ماندگاری آثار، بیش از زندگی خود می‌اندیشند و کیارستمی

یادداشت

فیش‌های حقوقی و ذوق‌زدگی از فناوری

تصمیم گرفت اطلاعاتی را که از سوءاستفاده‌های کاخ سفید داشت، برای خبرنگار واشنگتن‌پست رو کند. آیا ریشه این تصمیم فقط سرخوردگی فلت بود؟ آیا جریان بزرگ‌تری از فلت حمایت نمی‌کرد؟ کسی به این سوال پاسخ نداده؛ اما آنچه مشخص است این است که اگر نفر دوم ادبی‌آی، یعنی یک فرد رده‌بالا در ساختار قدرت، به هر دلیلی جریان را رو نمی‌کرد، واگرایی وجود نداشت. آیا در زمان واگرایی اینترنت بود؟ آیا فیس‌بوک یا تلگرام در آن زمانه بود؟ نه، اما مارک فلت بود. داستان فیش‌های حقوقی چندصدمیلیونی نیز که این روزها به بحث اول سیاست ایران تبدیل شده، از یک افشاکاری شروع شد؛ تصویر فیش حقوقی چند مدیر رده‌بالای دولتی در کانال‌های تلگرامی چرخید، فیش‌های حقوقی بعدی سر رسیدند و سرانجام مقامات رسمی و دولتی را به موضوع‌گیری واداشتند. در چند هفته اخیر، تفسیرهای بسیاری درباره نقش پررنگ و انقلابی فناوری‌های نوین ارتباطی - که همه‌گیرترین آنها اپلیکیشن پیام‌رسان موبایلی «تگرام» باشد - در ماجرای فیش‌ها ارائه شده است. چنان از تلگرام یا دیگر فناوری‌های ارتباطی صحبت می‌شود که انگار این اپلیکیشن‌ها بوده‌اند که چنین موجی را به راه انداخته‌اند؛ درصورتی‌که اگر افشاکاری‌های اولیه - چه از سوی کارمندان رده‌پایین امور مالی چند هفته پیش از آن، ادگار هورر، رئیس افسانه‌ای چه از سوی هر گروه دیگری- نبود، تلگرام به‌تنهایی نمی‌توانست موجی چنین همه‌گیر را تولید کند. اینکه ما بگوییم اگر تلگرام نبود، ماجرای فیش‌های حقوقی نیز همه‌گیر نمی‌شد... ادامه در صفحه ۷

سعید ارکان زاده‌بیزدی
روزنامه‌نگار



ماجرای واگرایی که نمونه کلاسیک روزنامه‌نگاری تحقیقی است، دو لایه دارد؛ لایه اول تلاش‌های دو خبرنگار روزنامه واشنگتن‌پست است که برای انتشار حقایقی درباره شنود عوامل کاخ سفید در دفتر انتخاباتی حزب دموکرات آمریکا تلاش می‌کنند، به قله‌های مسئولیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری می‌رسند، درباره آنها فیلم «همه مردان رئیس‌جمهور» ساخته می‌شود و درنهایت، کارشان در تاریخ روزنامه‌نگاری جهان جایگاهی افسانه‌ای پیدا می‌کند؛ اما لایه دوم، کمتر دیده می‌شود. کسی که اطلاعات این شود و داستان رشوه‌دادن‌ها و تقلب‌های گسترده‌تر بعدی را به یکی از دو خبرنگار واشنگتن‌پست می‌داد، «مارک فلت» بود که با الهام از یک فیلم مبتذل اوایل دهه ۱۹۷۰، او را در گزارش‌هایشان «ته حلق» می‌نامیدند و تا ۳۳ سال بعد، هویتش فاش نشد. در سال ۲۰۰۵ فلت اعلام کرد که همان مشهورترین منبع خبری بدون ذکر نام تاریخ آمریکا بوده است؛ اما فلت که بود؟ فلت در زمانی که واگرایی افشا شد، نفر دوم ادبی‌آی (پلیس فدرال آمریکا) بود. چند هفته پیش از آن، ادگار هورر، رئیس افسانه‌ای ادبی‌آی که ۴۸ سال آنجا را اداره کرد، درگذشته بود و روشن بود که فلت جای او می‌نشند؛ اما نیکسون یکی از وفاداران سیاسی خود را رئیس ادبی‌آی کرد و فلت سرخورده شد. در همین زمان بود که او

حرف اول

۳ برش از مکتب سینمایی کیارستمی

مجید رضاییان
استاد دانشگاه و پژوهشگر مطالعات رسانه



یکم از نگاه فلسفی یا واقعی؛ نظریه بازنمایی (Representation) استوارت هال از مکتب بیرمنگام، به ما می‌آموزد که سینما در کنار بقیه رسانه‌ها، به دنبال بازنمایی است و به تعبیر هال، به «نمایش واقعیت» مبادرت می‌ورزد و نه «انعکاس واقعیت». این نگاه انتقادی و البته بدبینانه در این مضمون خلاصه می‌شود که: «رسانه، واقعیتی است که سرانجام حقیقت را کتمان می‌کند». گرچه از سوی پژوهشگران مطالعات رسانه و ازجمله سینما، این جمله را در پاسخ با قاطعیت می‌توان گفت و آن اینکه؛ «در جهان امروز اما، همه حقیقت کتمان‌شدنی نیست». مکتب سینمایی عباس کیارستمی عملاً پاسخخی روشن به استوارت هال و مکتب بیرمنگام درباره سینما و رسانه بود. عباس کیارستمی از نقاشی تا گرافیک و سپس کوچ جدی به سمت عکاسی و سینمای مستند، راهی را گشود که حتی پیش از این، سینما کمتر به خود دیده بود؛ «پل‌زدن میان سینمای مستند با سینمای داستانی». اجازه می‌خواهم که نام سینمای مستند را در پاسخ به استوارت هال «انعکاس واقعیت» بگذاریم و نام سینمای داستانی را از نگاه مکتب بیرمنگام «نمایش واقعیت» یا همان «بازنمایی» قلمداد کنیم. اکنون چه اتفاقی می‌افتد؟ پاسخ روشن است؛ ما هرگاه به سمت سینمای داستانی می‌رویم...

ادامه در صفحه ۴

هاکوپیان

”وقار و زیبایی ایرانی را با مهربانی هدیه کنیم“

طرحی ابتکاری و اختصاصی با مشارکت
مشترکین محترم هاکوپیان

به منظور اطلاع از اجرای این طرح ارزشمند و ماندگار
به سایت زیر مراجعه فرمایید.

HACOUPIAN.NET
telegram.me/hacoupianinc

انالله و انا الیه راجعون

با تأسف و تأثر در گذشت مادر گرامی
آقای مهندس احمد خرم، دوست و همکار گرامی و وزیر پیر تلاش
راه و ترابری دولت اصلاحات را به اطلاع می‌رسانیم.
از خداوند سبحان آمرزش آن مرحومه و میر و اجر بازماندگان را
آرزو می‌کنیم. مراسم ترحیم امروز دوشنبه ۲۱ تیرماه از ساعت
چهار تا پنج بعدازظهر در مسجد نور در میدان فاطمی برگزار می‌شود.

جمعی از دوستان و مؤسسان انجمن اصلاحات
احمد جمی، مرتضی حاجی، سیدعلی الحسینی
اسدالله درویش‌امیری، جعفر رحمانزاده، سیدحسن رسولی
امین سازگارزاد، محمد صفی، محمد صفری، سیدمعروف صمدی
مهدی صمدی، علی صوفی، حسین طوسی، احمد عظیمی
سیاوش قهوه‌چیان، موسوی لاری، سیدمرتضی میلف
مهرداد مسعودی، منین مسلم، سیدمجتبی موسوی‌اجاق، میرچی
سیدمحمود میرلوحی و حامتی یزد

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸ - ۸۸۱۹۳۹۷۹

روزنامه شرق برگزار می‌کند

کمدی اجتماعی

رجوع به صفحه ۷

جشنواره تابستانی

۲۰٪

تخفیف ویژه

ماکسیم
پوشاک نسل امروز ... و فردا
maxim